

## تأثیر اسرائیلیات در تفسیر داستان حضرت داوود (ع) و انعکاس آن در ادبیات فارسی

معصومه صادقی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)

*Masume,sadeqi@gmail.com*

مریم حسینی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا(س)

*Drhoseini@alzahra.ac.ir*

### چکیده

از بحث برانگیزترین مسائل در تفسیر قرآن موضوع نفوذ اسرائیلیات در تفسیر قرآن است. اسرائیلیات در اصطلاح، داستان‌ها، روایات و افسانه‌هایی است که از منابع غیر اسلامی (بویژه یهود و نصارا) وارد فرهنگ اسلامی شده است و نفوذ گسترده‌ای در تفاسیر قرآن و مجموعاً فرهنگ اسلامی یافته است. در داستان زندگی حضرت داوود (ع) بویژه در تفسیر مربوط به آیات «۲۱ تا ۲۵ سوره ص» اسرائیلیات زیادی وارد شده است که برخی ریشه در روایات تورات دارد. این مقاله به بررسی اسرائیلیاتی که پیرامون این داستان در تفاسیر قرآن وارد شده است می‌پردازد و بازتاب آن را در تفاسیر عرفانی و ادبی و متون ادب فارسی نشان می‌دهد و نمونه‌هایی از آن را ارائه می‌کند. نتایج نشان می‌دهد با وجود آنکه عقل و شرع بسیاری از اسرائیلیات را از پایه مردود می‌داند اما نفوذ آن به سبب ویژگی روایی و داستانی بودن آن در تفاسیر قرآن (از جمله تفاسیر عرفانی و ادبی قرآن) گسترده است و در متون عرفانی و ادب فارسی نیز اشاراتی به این روایات دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، اسرائیلیات، حضرت داوود(ع)، سوره ص، تفاسیر عرفانی و ادبی

### ۱. پیشگفتار و مسأله پژوهش

یکی از مسائلی که در فرهنگ اسلامی و تفسیر قرآن از جایگاه مهم و قابل تأملی برخوردار است، بحث «اسرائیلیات» است. در اصطلاح علما، اسرائیلیات به داستان‌ها و افسانه‌های قدیمی گفته می‌شود که از یهودیان و مسیحیان و مانند آنها سرچشمه گرفته و احادیث و تفاسیر اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده است. برخی مفسران و محدثان، اسرائیلیات را تمام روایات و اخبار بی‌اساسی می‌دانند که دشمنان اسلام (اعم از یهود و سایرین)، آنها را با سوءنیت و غرض‌ورزی جعل نموده و برای فاسد نمودن عقاید مسلمانان وارد تفاسیر و احادیث نموده‌اند. بحث اسرائیلیات و تأثیرات آن بر حوزه‌های مختلف فرهنگ اسلامی، تاریخی طولانی دارد، با اینکه مجعول بودن بسیاری از این مباحث با دلایل عقلی و نقلی اثبات شده است، تأثیر و نفوذ آن در تفاسیر قرآن، تفاسیر ادبی عرفانی و ادبیات فارسی دیده می‌شود. یکی از موضوعاتی که جولان‌گاه داستان‌پردازی و نفوذ اسرائیلیات است، داستان زندگی پیامبران بویژه پیامبران بنی‌اسرائیل است. از آنجا که قرآن در بسیاری موارد اشاره‌وار از این داستان‌ها گذشته و تمام زوایای زندگی پیامبران را بیان نکرده است، کنجکاوی برخی موجب شاخ و برگ دادن به این داستان‌ها شده و چه بسا پیرامون آن روایات صواب و ناصواب بسیاری شکل گرفته است. یکی از پیامبرانی که داستان‌های بسیار درباره آن ساخته شده است، حضرت داوود(ع) است. آیاتی که در قرآن درباره زندگی ایشان آمده، مجمل و اشاره‌وار است و از همین روست که برخی مفسران برای شرح و بیان این آیات، به روایات تورات و اسرائیلیات دست یازیده‌اند. این مقاله درصدد است به پاسخ این

پرسش برسد که تأثیر اسرائیلیات در تفسیر آیات مربوط به داستان زندگی حضرت داوود (ع) بویژه آیات «۲۱ تا ۲۵ سوره ص» چگونه است؟ و چه نمودی از آن در تفاسیر عرفانی و متون ادبی فارسی دیده می‌شود؟

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره «اسرائیلیات» به طور کلی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، چه آثار فارسی و عربی و چه پژوهش‌های غربی از نظر کمی و کیفی چشم‌گیر است. از مهمترین آثار که در این زمینه به زبان عربی تألیف شده‌اند می‌توان به *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث* اثر محمد حسین ذهبی، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر* از محمد ابوشهبه و *الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر* از رمزی نعنعه اشاره کرد. برخی از مهمترین آثار که در این باره به زبان فارسی تألیف شده‌اند، عبارتند از: *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن* اثر حمید محمد قاسمی که رساله دکتری مؤلف بوده و سال ۱۳۸۰ به صورت کتاب منتشر شده است؛ *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر اثر محمدتقی دیاری بیدگلی* که این اثر نیز رساله دکتری نگارنده بوده و سال ۱۳۸۳ منتشر شده است؛ و *قدسیّت و ساختار، جستاری در روایت شناسی تطبیقی متون قدسی*، اثر مریم صالحی‌نیا که در مقایسه داستان‌های کتب مقدس با قرآن، ریشه بسیاری از اسرائیلیات را نشان می‌دهد. از خاورشناسان نیز در این باره آثار منتشر شده‌است. مانند مقاله «ارزش‌گذاری اسرائیلیات معضلی در تفسیر» از مک اولیف، استاد دانشگاه جرج تاون واشنگتن؛ که در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسیده و محمدتقی دیاری بیدگلی آن را ترجمه و نقد کرده‌است و اسرائیلیات، دایره المعارف اسلام (به زبان انگلیسی) تألیف جی وجداء، ج ۴، ۱۹۸۶م، ص ۲۱۱-۲۱۳. در میان آثار بررسی شده (بویژه آثار فارسی) هیچ یک به طور خاص به تأثیر اسرائیلیات در تفسیر آیات مربوط به زندگی حضرت داوود (ع) در قرآن و نمود آن در تفاسیر عرفانی و ادبی نپرداخته‌اند.

## ۳. اسرائیلیات و نفوذ آن در تفاسیر قرآنی

اسرائیلیات، جمع اسرائیلیه و منسوب به اسرائیل، لقب یعقوب پیامبر، جد اعلای یهودیان است. برای اسرائیل معانی مختلفی برشمرده‌اند از آن جمله اسرائیل مرکب از «اسرا» به معنی «عبد» یا «صفو و برگزیده و خالص» و «ایل» به معنی خدا و اسرائیل به معنی «عبدالله» یا «صفوه الله» و بنده برگزیده خداست. در معنای دیگر اسرائیل ترکیبی از دو واژه «اسر» به معنای غلبه و «ایل» به معنای قدرت کامل است و در زبان عبری به کسی که بر قدرت کامل، یعنی خداوند چیره شده گفته می‌شود. این لقب را از آن رو بر یعقوب نهاده‌اند که به گمان یهود، وی در مبارزه با خداوند بر او پیروز شد و خداوند لقب «اسرائیل» را به او داد. (محمدقاسمی، ۱۳۸۹: ۶-۷)

اسرائیلیات یک معنای اصطلاحی نیز یافته و طبق تعاریف بر تمام عقاید غیر اسلامی، بخصوص آن دسته از عقاید، اساطیر، افسانه‌ها و خرافاتی که یهود و نصارا از قرن اول هجری در دین اسلام وارده کرده‌اند، اطلاق می‌شود. ذهبی در این باره می‌نویسد: «واژه اسرائیلیات گرچه ظاهراً نشانگر نفوذ فرهنگ یهود در تفاسیر است، لیکن مقصود ما از اسرائیلیات مفهومی گسترده‌تر و فراگیرتر از این است و آن عبارت است از تأثیرپذیری تفاسیر از فرهنگ یهودی و مسیحی و غلبه رنگ این دو فرهنگ و مانند آنها بر تفاسیر. اما از آنجا که از صدر اسلام تا زمان عالمگیر شدن آن، همواره یهودیان بیش از سایرین با مسلمانان معاشرت داشتند، در مقایسه با مسیحیت و سایر فرقه‌ها بیشترین تأثیر را در تفاسیر و سایر منابع اسلامی بر جای گذارده‌اند.» (ذهبی، ؟: ۱۶۵)

اسرائیلیات به این معنا، اصطلاحی است که متقدمان آن را به کار نبرده‌اند و تنها در آثار محدثان و اندیشمندان

متأخراً به کار رفته است. (نعناعه، ۱۳۹۰: ۷۳) آنچه در صدر اسلام و تا مدتها بعد از عصر صحابه و تابعان در این باره رواج داشته، تعبیراتی همچون «گفته‌های اهل کتاب» و «اخبار و آثار وارد شده از بنی اسرائیل» و امثال آنها بوده است. قدیمی‌ترین منبع موجود که اسرائیلیات را در معنای اصطلاحی آن به کار برده، از مسعودی (م. ۳۴۳ ق.) است که در آن علاوه بر اطلاق اسرائیلیات بر روایات یهودی و مسیحی، نمونه‌هایی از این روایات را نیز آورده است. (مسعودی، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

آغاز ورود اسرائیلیات به فرهنگ اسلامی، به پیش از اسلام و نفوذ تمدن و فرهنگ یهودی به فرهنگ اعراب جاهلی باز می‌گردد. پیش از ظهور اسلام اهل کتاب و بویژه یهودیان زیادی اطراف شهر مدینه در کنار مشرکان و بت پرستان زندگی می‌کردند. آنان چون دارای دین و کتاب آسمانی بودند از نظر فرهنگی، علمی و اجتماعی، جایگاه بالاتری نسبت به مشرکان داشتند و مشرکان برای فهم برخی مسائل غالباً به اهل کتاب مراجعه می‌کردند. این عادت مراجعه به اهل کتاب همچنان در برخی افراد تا بعد از ظهور اسلام نیز ادامه یافت. در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اگر مشکلی در فهم آیات قرآن برای صحابه پیش می‌آمد رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان نخستین مفسر به شرح و توضیح آیات قرآن می‌پرداختند و رفع ابهام می‌کردند اما «پس از عصر پیامبر اسلام (ص)، تفسیر قرآن حال و وضعی دیگر یافت و عواملی چند سبب مشوب شدن جریان تفسیر به اسرائیلیاتی شد که تا امروز نیز در میان تفاسیر به چشم می‌خورد و چهره زیبای حقایق قرآنی را تیره و تار ساخته است.» (محمد قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۴) منابع تفسیر قرآن به عقیده ابن تیمیه به دو گروه تقسیم می‌شود: الف) تفسیر درونی قرآن (تفسیر قرآن با قرآن) و ب) تفسیر بیرونی قرآن براساس سنت پیامبر، سنت صحابه و سنت تابعین. (ابن تیمیه، ۱۳۹۱: ۹۸) در این تقسیم بندی تفسیر قرآن از زبان صحابه و تابعین درست نقطه حساس نفوذ اسرائیلیات است. در واقع «می‌توان گفت ورود اسرائیلیات به تفسیر امری بود که از زمان صحابه آغاز شد چرا که قرآن کریم در طرح برخی موضوعها با تورات و انجیل هماهنگ بود. اما قرآن در پرداختن به داستانها روش اختصار را در پیش گرفته بود، در حالی که در تورات و انجیل این امر به صورت مشروح طرح شده بود و مراجعه به اهل کتاب خود یکی از مصادر تفسیر قرآن در عصر صحابه به شمار می‌رفت. یعنی هرگاه صحابه، با داستانی از داستانهای قرآن مواجه می‌شدند، به دلیل اجمال و ابهام آن تمایل داشتند تا از تفصیل آن داستان آگاهی یابند و کسی را نیز نمی‌یافتند تا سوالهای ایشان را پاسخ گوید، مگر آن چند تن از اهل کتاب که اسلام آورده بودند و با خود فرهنگ دینی خاص خودشان را حمل می‌کردند که همان فرهنگ را به دیگران منتقل کرده، خبرها و داستانهای دینی خود را در میان صحابه اشاعه دادند.» (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ؟: ۱۶۹) این روند در عصر تابعین نیز ادامه پیدا کرد و دامن زده شد.

از آنچه بیان شد پیداست «اسرائیلیات از دو منبع اصلی سرچشمه گرفته اند؛ کتب تحریف شده یهود و نصارا و خیال پردازی و افسانه‌سراییه‌های مسلمان نماهای اهل کتاب» (محمد قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳) و در مجموع می‌توان گفت ضعف فرهنگی اعراب جاهلی که تا مدتها پس از ظهور اسلام نیز دامنگیر جامعه اعراب بود، غرض‌ورزی اهل کتاب بویژه یهود که ظهور اسلام عرصه سروری را بر آنها تنگ کرده بود، موجز گویی قرآن در برخی داستانها و عدم درک برخی مسلمانان از این ایجاز و در مقابل شرح و بسط داستانها در کتب پیشینیان، جلوگیری از نگارش احادیث پیامبر در دوره خلفا و جعل روایات و احادیث پیامبر در دوره‌های بعد، حاکمیت افرادی که درک درستی از اسلام نداشتند بر جامعه اسلامی و تساهل و تسامح برخی علما در پذیرش احادیث و روایاتی که از صحابه نقل شده است و حضور قصه‌سرایان و افسانه‌پردازان در جامعه اسلامی از عوامل مهم نفوذ اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی و تفاسیر قرآن است.

از معروف‌ترین مروّجان اسرائیلیات در جامعه اسلامی می‌توان به کعب‌الأخبار، تمیم داری، عبدالله بن سلّام، وهب بن منبّه، ابوهریره اشاره کرد. کعب‌الأخبار از دانشمندان یهودی بود که در دورهٔ خلافت ابوبکر یا عمر اسلام آورد. نام او «کعب بن ماتع» بود و به دلیل اشرافی که بر کتب انبیاء پیشین داشت به کعب‌الأخبار لقب گرفت. در دورهٔ خلافت عثمان به عنوان مرجع دینی، گره‌گشای مشکلات تفسیری و اعتقادی خلیفهٔ سوم شد. تمیم داری که پیش از اسلام به کیش مسیحیت بود، پس از جنگ تبوک اسلام آورد. او قصه‌گویی را در اسلام رواج داد. در زمان خلیفه دوم مورد احترام بود و به عنوان امام جماعت منصوب شد. عبدالله بن سلام از یهودیان بنی قینقاع بود. پس از اسلام آوردن نیز نتوانست از تعلقات فرهنگ یهودی خود بکاهد. وهب بن منبّه که پدرش ایرانی بود و در عهد رسول خدا اسلام آورد در میان یهودیان می‌زیست و چون با زبان یونانی آشنا بود، توانست اطلاعات وسیعی از دو فرهنگ یهود و نصارا به دست آورد. به او آثار مکتوبی که از آن جمله کتابهای احادیث الانبیاء و المبدأ را نسبت داده‌اند. او از کسانی بود که اساس داستان‌ها و تاریخ انبیاء را پایه‌گذاری کرد. ابوهریره نیز که پس از فتح خیبر در مدینه اسلام آورد، مدتی با پیامبر مصاحبت داشت. در دورهٔ حکومت معاویه در خدمت حکومت اموی قرار گرفت و آنقدر از پیامبر احادیث جعلی نقل کرد که در همان صدر اسلام نیز مورد اتهام قرار گرفت. عایشه احادیث او را انکار می‌کرد و علی (ع) او را از دروغ‌گویان می‌دانست. (محمد قاسمی، ۱۳۸۹: ۸۵-۱۴۳)

از میان اسرائیلیات مشهوری که در تفاسیر آمده است برای نمونه می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ مانند داستان هابیل و قابیل؛ در منابع تفسیری آمده است زمانی که قابیل برادرش را به قتل رساند جنازه وی را یکسال تمام در کیسه‌ای بر دوش می‌کشید تا اینکه جنازه فاسد شد و سرانجام از کلاغی آموخت که باید جسد برادرش را در زمین نهد. (تفسیر طبری، ۶/۱۳۳۹: ۱۲۸) همچنین داستان مبارزهٔ حضرت یعقوب با خداوند؛ براساس آنچه در سفر پیدایش تورات، فصل ۳۲، جمله‌های ۲۴ تا ۳۲ گزارش شده، یعقوب با خدا کشتی گرفت و در پی غلبه بر خدا از سوی خداوند به لقب «اسرائیل» مفتخر شد. این داستان خرافی در برخی تفاسیر از جمله تفسیر درّ المثنور صفحهٔ ۵۲ ذیل آیه ۹۳ سورهٔ آل عمران نیز آمده است. (محمد قاسمی، ۱۳۸۹: ۶-۷) و داستان حضرت ابراهیم (ص) که ساره، همسرش را به عنوان خواهر خود معرفی کرد و فرعون او را به زنی گرفت (سفر پیدایش، ۱۲: ۱۹-۱۲) این داستان نیز از تورات به تفاسیر قرآن راه پیدا کرده است. آشکارترین دلیل جعلی بودن این روایات همان مغایرت با عقل است. چگونه ممکن است جسدی یک سال بر دوش کسی باقی بماند؟ چگونه ممکن است حضرت ابراهیم (ع) که می‌دانست اگر همسرش را به عنوان خواهر خود معرفی کند ممکن است فرعونیان او را طلب کنند چنین کاری بکند؟ و یا کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خداوند که حتی جای نقد هم باقی نمی‌گذارد. اینگونه افسانه‌ها و روایات که هیچ دلیل منطقی و عقلی آن را تأیید نمی‌کند نمی‌تواند ریشه در حقیقت و واقعیتی داشته باشد. اینک به بررسی داستان حضرت داوود (ع) در قرآن و تفاسیر می‌پردازیم.

#### ۴. حضرت داوود (ع) و سیمای وی در قرآن

داوود - به عبری «داوید» به معنای محبوب، فرزند یسی، یکی از پیامبران و پادشاهان بنی اسرائیل است که در بیت لحم حدود سالهای ۱۰۸۱ - ۱۰۸۶ ق.م زاده شد و حدود سال ۹۷۲ ق.م از دنیا رفت. او جانشین شائول (طالبوت) و پدر سلیمان (ع) است. قامتی کوتاه داشت اما نیرومند بود و در جنگ در برابر جالوت (جلیات) وی را شکست داد و پادشاه بنی اسرائیل شد. (اعلام قرآن و نیز یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۴۵)

در قرآن کریم شانزده بار نام داوود(ع)، به عنوان یکی از پیامبران آمده است؛ بقره: ۲۵۱، نساء: ۱۶۳، مائده: ۷۸، الانعام: ۸۴، اسراء: ۵۵، انبیاء: ۸۷ و ۸۹، نمل: ۱۵ و ۱۶، سباء: ۱۰ و ۱۳، ص: ۱۷ و ۲۲ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۰. در این آیات و برخی آیات پس و پیش آنها به بخش‌هایی از زندگی حضرت داوود (ع) اشاره شده است. آنچه براساس قرآن درباره حضرت داوود(ع) می‌دانیم به طور مجمل این است که او از پیامبران و پادشاهان بنی اسرائیل است. در جنگ، جالوت را شکست داد و او را کشت، خداوند به او ملک (پادشاهی) و حکمت (نبوت) ارزانی داشت و از آنچه می‌خواست به او آموخت. (بقره: ۲۵۱) خداوند به او زبور (مزامیر) را داده است. (نساء: ۱۶۳ و الاسراء: ۵۵) از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود مورد لعنت قرار گرفتند. (مائده: ۷۸) او از ذریه پیامبران الهی است و خداوند سلیمان(ع) را به او عطا کرد. خداوند به داوود (ع) و سلیمان (ع) دانشی عطا کرد و آن دو گفتند: «ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داد» (نمل: ۱۵) داوود و سلیمان درباره کشتزاری که گوسفندان مردم، شب هنگام در آن چریده بودند، داوری کردند و خداوند شاهد آن داوری بود و آنها به عنایت الهی، از عهده قضاوت صحیح بیرون آمدند. خداوند کوه‌ها و پرندگان را تسخیر کرد که همراه داوود (ع) تسبیح بگویند. (انبیاء: ۷۸، ۷۹) سلیمان وارث داوود قرار گرفت و زبان پرندگان به آنها آموخته شد. خداوند از خاندان داوود خواست به خاطر نعمتهای بسیاری که به آنها بخشیده شکرگزار باشند. (سباء: ۱۳) خداوند از جانب خود داوود را مزیتی عطا کرد که کوهها و پرندگان با او در تسبیح پروردگار هم صدا شدند. همچنین آهن را برای او نرم کرد و به الهام خویش به او زره سازی آهنگین آموخت. (سباء: ۱۰، ۱۱) داوود بنده‌ای نیرومند و بسیار بازگشت کننده به سوی پروردگار بود (ص: ۱۷) خداوند پادشاهی او را استوار کرد و به او حکمت و فصل الخطاب (نفوذ کلام و قوه داوری درست) عطا فرمود. (ص: ۲۰) خداوند در یک داوری دشوار او را آزمود و داوود دانست مورد آزمایش قرار گرفته‌است، به درگاه خداوند استغفار و انابه کرد. (ص: ۲۴) خداوند او را خلیفه الهی در زمین قرار داد تا بین مردم به حق حکومت و داوری کند. و به او فرمان داد زنهار از هوس پیروی مکن که تورا از راه خدا به در کند (ص: ۲۶)

چنانکه بیان شد آنچه در قرآن درباره زندگی حضرت داوود (ع) آمده‌است، اشاره‌وار است و همین مسأله زمینه‌ساز بحث‌های گوناگون و ایجاد شاخ و برگ‌های بسیار در تفسیر برخی آیات گشته‌است. بحث‌برانگیزترین بخش‌های زندگی حضرت داوود (ع) در تفاسیر، مربوط به تفسیر آیات ۲۱ تا ۲۶ سوره صاد است، از این رو این آیات و برگردان آنها عیناً نقل می‌شود تا در بخش‌های دیگر مقاله به بحث‌های تفسیری آن بپردازیم.

وَهَلْ آتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱) إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲) إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَوَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفَلْنَاهَا وَعَزَّيْنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳) قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴) فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ (۲۵) يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

برگردان این آیات چنین است:

«آیا خبر دادخواهان چون از نماز خانه [او] بالا رفتند به تو رسید؟ (۲۱) وقتی به [طور ناگهانی] بر داوود در آمدند و او از آنان به هراس افتاد، گفتند: مترس، ما دو مدعی هستیم که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده، پس میان ما به حق داوری کن، و از حق خود دور مشو، و ما را به راه راست راهبر باش. (۲۲) این [شخص] برادر

من است. او را نود و نه میش است و مرا یک میش است، و می‌گوید: آن را به من بسپار، و در سخنوری بر من غالب آمده است. (۲۳) [داوود] گفت: قطعاً او در مطالبه میش تو [اضافه] بر میش‌های خودش، بر تو ستم کرده، و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می‌دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و اینها بس اندکند، و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم. پس، از پروردگارش آموزش خواست و به رو در افتاد و توبه کرد. (۲۴) و بر او این [ماجرا] را بخشودیم؛ و در حقیقت برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواهد بود. (۲۵) (قرآن مجید، ترجمه فولادوند: ۴۵۴)

##### ۵. سیمای حضرت داوود(ع) در کتاب مقدس

در کتاب مقدس روایت داستان زندگی حضرت داوود(ع)، از باب شانزدهم کتاب اول سموئیل با فرمان یافتن سموئیل نبی از جانب خداوند برای مسح داوود با روغن مقدس و انتخاب او به پادشاهی اسرائیل آغاز می‌شود و در پایان باب دوم کتاب اول پادشاهان با درگذشت داوود به پایان می‌رسد. علاوه بر این کتاب اول تواریخ ایام از باب یازده تا پایان به ذکر سلحشوری‌های و خدمات داوود می‌پردازد. در کتاب مقدس جزئیات فراوانی درباره جنگ‌های داوود با دشمنان بنی اسرائیل و مخالفان داخلی و نیز ازدواج‌ها و فرزندان او آمده است. (صالحی‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۵) براساس کتاب مقدس جلیات(جالوت) با بنی اسرائیل پیکار کرد و بر آنها چیره شد. کسی را توانایی رویارویی با او نبود. سموئیل، پیامبر بنی اسرائیل از داوود خواست که به جنگ با جلیات برود. بر او زره می‌پوشانند و خودی برنجین بر سرش می‌نهند، داوود با خود سنگ به همراه داشت « دست به کیسه‌اش برد و سنگی از آن گرفته، از فلاخن انداخت و به پیشانی فلسطینی(جلیات) زد و سنگ به پیشانی او فرو رفت و بر زمین افتاد و داوود با شمشیر خود او، سر از تنش جدا کرد» (اول سموئیل ۱۷: ۴۹) خداوند داوود را به پادشاهی بنی اسرائیل برگزید(اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳) و او را یاری کرد تا بر دشمنانش پیروز شود. (دوم سموئیل ۱۰-۲) خداوند به داوود گفت: «تو را از جمیع دشمنانت آرامی دادم... خانه و سلطنت تو به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند»(دوم سموئیل ۷: ۱۶-۵) در خواندن مزامیر کوه‌ها و پرندگان با داوود هم‌آواز شدند «کوه‌ها باهم ترنم نمایند» (مزمور ۹۸: ۸-۹) و «خداوند را از زمین تسبیح بخوانید... ای کوه‌ها و تل‌ها... و مرغان بالدار»(مزمور ۷: ۱۴۸-۱۰)

در روایت کتاب مقدس و آنچه به عنوان مزامیر داوود باقی مانده، مواردی هست که با روایت قرآن همخوانی دارد؛ البته در تورات به رسالت حضرت داوود(ع) و اعطای زبور به او به عنوان کتابی آسمانی به طور مستقیم اشاره‌ای نشده‌است، و نیز در قرآن به دو نکته اشاره شده که در روایت کتاب مقدس نیامده است، یکی نرم شدن آهن برای داوود و زره ساختن او و دیگری قضاوت داوود(ع) و سلیمان(ع) درباره کشتزاری که گوسفند کسی شبانه در آن چریده بود، که در کتاب مقدس به آن اشاره نشده است. در داستان زندگی حضرت داوود(ع) روایتی که تورات به طور مفصل و با جزئیات به آن پرداخته و در قرآن حتی اشاره‌ای به آن نشده و تنها در تفاسیر، آیات «۲۰ تا ۲۵ سوره ص» را تمثیلی برای آن می‌دانند، داستان ازدواج حضرت داوود(ع) با همسر اوریاست. اگرچه این روایت در تورات روایتی شنیع و دور از ساحت پاک انبیاء است اما برای مقایسه با روایت قرآن و اسرائیلیاتی که در تفاسیر قرآن راه یافته اند برگردان آن عیناً نقل می‌شود.

در کتاب دوم سموئیل چنین آمده‌است: «در وقت عصر که داوود از بسترش برخاسته بر پشت بام خانه پادشاه گردش کرد و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شست و شو می‌کند و آن زن بسیار نیکو منظر بود. پس داوود فرستاد درباره زن استفسار کردند و او را گفتند که آیا این بت شبع دختر الیعام زن اوریا است؟ و

داوود قاصدان فرستاده او را گرفت و او نزد وی آمده، داوود با او همبستر شد و او از نجاست خود طاهر شده به خانه خود برگشت. آن زن حامله شد و فرستاده داوود را مخبر ساخت و گفت که من حامله هستم. پس داوود نزد یوآب فرستاد که اوریای حتی را نزد من بفرست و یوآب اوریا را نزد داوود فرستاد. و چون اوریا نزد وی رسید، داوود از سلامتی یوآب و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید. داوود به اوریا گفت: به خانه‌ات برو و پایهای خود را بشو. پس اوریا از خانه پادشاه بیرون رفت و از عقبش خوانی از پادشاه فرستاده شد. اما اوریا نزد در خانه پادشاه با سایر بندگان آقایش خوابیده، به خانه خود نرفت. داوود را خبر داده گفتند که اوریا به خانه خود نرفته است. پس داوود به اوریا گفت: آیا تو از سفر نیامده‌ای؟ پس چرا به خانه خود نرفته‌ای؟ اوریا به داوود عرض کرد که تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه‌ها ساکنند و آقایم یوآب و بندگان آقایم بر روی بیابان خیمه نشین‌اند. آیا من به خانه خود بروم تا اکل و شرب بنمایم و با زن خود بخوابم؟ به حیات تو و به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد. داوود به اوریا گفت: امروز نیز اینجا باش و فردا تو را روانه می‌کنم. پس اوریا آن روز و فردایش را در اورشلیم ماند. داوود او را دعوت کرد که در حضورش خورد و نوشید و او را مست کرد و وقت شام بیرون رفته و بر بسترش با بندگان آقایش خوابید و به خانه خود نرفت. بامدادان داوود مکتوبی برای یوآب نوشته به دست اوریا فرستاد. در مکتوب به این مضمون نوشت که اوریا را در مقدمه جنگ سخت بگذارد و از عقبش پس بروید تا زده شده بمیرد. چون یوآب شهر را محاصره می‌کرد، اوریا را در مکانی که می‌دانست که مردان شجاع در آنجا می‌باشند گذاشت و مردان شهر بیرون آمده با یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از بندگان داوود افتادند و اوریای حتی نیز بمرد... چون زن اوریا شنید که شوهرش اوریا مرده است، برای شوهر خود ماتم گرفت. چون ایام ماتم گذشت، داوود فرستاده او را به خانه خود آورد و او زن وی شد و برایش پسری زاید، اما کاری که داوود کرده بود در نظر خداوند ناپسند آمد.» (تورات، کتاب دوم سموئیل، باب ۱۱: ۲-۲۷) همچنین در باب دوازده از کتاب دوم سموئیل آمده است: «و خداوند ناتان را (که یکی از پیامبران بنی اسرائیل و مشاور داوود بود) نزد داوود فرستاد و نزد وی آمده او را گفت که در شهری دو مرد بودند یکی دولتمند و دیگری فقیر، دولتمند را گوسفند و گاو بی‌نهایت بسیار بود و فقیر را جز یک ماده بره کوچک نبود که آن را خریده و پرورش داده، همراه وی و پسرانش بزرگ می‌شد؛ از خوراک وی می‌خورد و از کاسه او می‌نوشید و در آغوشش می‌خوابید و برایش مثل دختر می‌بود. مسافری نزد آن مرد دولتمند آمد و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بگیرد تا به جهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد و بره آن مرد فقیر را گرفته برای آن مرد که نزد وی آمده بود مهیا ساخت. آنگاه خشم داوود بر آن شخص افروخته شد به ناتان گفت: به حیات خداوند قسم کسی که این کار را کرده است مستوجب قتل است و چون که این کار را کرده و هیچ ترحم نکرده، بره را چهار چندان باید رد کند. ناتان به داوود گفت: آن مرد تو هستی و یهود خدای اسرائیل چنین می‌گوید: من تو را بر اسرائیل به پادشاهی مسیح کردم و من تو را از دست شاول رهایی دادم... پس چرا کلام خداوند را خوار کرده، در نظر وی عمل بد به جا آوردی و اوریای حتی را به شمشیر شده، زن او را برای خود به زنی گرفتی و او را با شمشیر بنی عمون به قتل رساندی؟! پس حال شمشیر از خانه تو هرگز دور نخواهد شد؛ به علت اینکه مرا تحقیر کرده، زن اوریای حتی را گرفتی تا زن تو باشد. خداوند چنین می‌گوید: اینک من از خانه خودت بدی را بر تو عارض خواهم گردانم و زنان تو را پیش چشم تو گرفته به همسایه‌ات خواهم داد و او در نظر این آفتاب با زنان تو خواهد خوابید. زیرا که تو این کار را پنهانی کردی، اما من این کار را پیش تمام اسرائیل و در نظر آفتاب خواهم کرد. داوود به ناتان گفت: به خداوند گناه کرده‌ام. ناتان به داوود گفت: خداوند نیز گناه تو را عفو کرده است که نخواهی مرد؛ لیکن چون از

این امر باعث کفر گفتن دشمنان خداوند شده، پسری نیز که برای تو زاییده شده است البته خواهد مرد...» (تورات، کتاب دوم سموئیل، ۱۲ باب: ۱-۱۵)

مقایسه این بخش از تورات و بررسی آنچه که در قالب روایات اسلامی در تفسیر آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره صاد آمده است، نشان می‌دهد که برخی مفسرین با بی‌توجهی تمام به اصل تفسیر و با پذیرش هرگونه روایت تحریف شده و سخیفی درباره پیامبران، ساحت مقدس آنان را به پست‌ترین مراتب تنزل داده‌اند و با داستان‌پردازی در این موضوعات چهره انبیاء (در اینجا حضرت داوود (ع)) را دیگرگون نشان داده‌اند. شاید از این منظر که در تورات به صراحت به پیامبری حضرت داوود (ع) اشاره نشده است، این گونه روایت در تورات عجیب به نظر نرسد اما در قرآن آشکارا مقام پیامبری حضرت داوود (ع) بیان شده است، بنابراین خالی از اشکال نخواهد بود که در تفسیر آن از روایت توراتی یا روایاتی که از باورهای یهود سرچشمه می‌گیرند، استفاده شود. اینک به بررسی تفاسیر مربوط می‌پردازیم.

#### ۶. اسرائیلیات در تفسیر داستان حضرت داوود (ع)

در تفاسیر مهم و معتبر قرآن همچون تفسیر طبری، کشف‌الاسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر طبرسی و تفسیر ابوالفتوح درباره «آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره ص» روایتی کمابیش شبیه به روایت تورات (و البته بسیار عقیف‌تر از آن) آمده است که آشکارا نفوذ اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد. البته نقد این روایات و دلایل متقن برای رد آن نیز گاهی در این تفاسیر مطرح شده اما گاه نیز خرافات و اسرائیلیات آن‌چنان جنجال عظیمی برانگیخته که امواج آن حتی برخی مفسران بزرگ اسلامی را نیز به داوری‌های نادرست درباره این پیامبر بزرگ سوق داده است. این آیات همان ماجرای دو مردی است که برای دعوی نزد داوود (ع) می‌آیند و مطرح می‌کنند که یکی نود و نه میش دارد و دیگری یک میش و او که نود و نه میش دارد، یک میش آن دیگری را نیز می‌خواهد و حضرت داوود (ع) در این باره قضاوت می‌کند و می‌فهمد که خود مورد آزمایش قرار گرفته است. طبری و برخی از مفسران از قول سدی روایت کرده‌اند: «داوود ایام را به سه قسمت کرده بود، روزی میان مردم داوری می‌کرد و روزی با زنان خویش به سر می‌برد و او را نود و نه زن بود. روزی در کتابها فضیلت ابراهیم و اسحاق و یعقوب را می‌خواند و در این حال گفت: پروردگارا! نیاکان من همه نیکها را برده‌اند، مرا نیز از فضایل آنها عطا کن. خداوند عزوجل بدو وحی کرد که نیاکان تو در معرض امتحانها قرار گرفتند و بلیه‌ها تحمل کردند که تو نکرده‌ای. ابراهیم به کشتن فرزند خود مبتلا شد، اسحاق کور شد و یعقوب به غم دوری یوسف دچار شد. ولی تو به این گونه بلیات گرفتار نشده‌ای. داوود گفت: پروردگارا! مرا نیز بلیات آنها ارزانی کن، و از عطیات آنها بهره‌مند ساز. خداوند متعال وحی کرد که تو را فلان ماه و روز در معرض بلاها قرار می‌دهم پس مراقب باش. پس چون آن روز خاص فرا رسید، داوود وارد محراب خود شد و درها را بست و به عبادت و خواندن زبور مشغول شد. در این اثنا شیطان به صورت کبوتر طلایی که بالهایش از زمرد سبز و پاهایش از یاقوت سرخ و سر و منقارش از مروارید و زبرجد بود بیامد و پیش پای داوود که به نماز ایستاده بود قرار گرفت. داوود دست برد که آن کبوتر را بگیرد، اما کبوتر برخاست و داوود دنبال آن رفت و پرنده دور شد و بر بالای گنبد مسجد رفت، داوود رفت تا آن را بگیرد. در این هنگام از بالای بام زنی را دید که مشغول شست و شوی خود بود و بسیار زیبا بود. چون زن، او را دید، موی بیفشاند و خود را با موهایش پوشاند. رفتار آن زن شوق و رغبت داوود را نسبت به آن زن بیفزود و فریفته محبت وی شد. در خصوص او جست و جو کرد و دریافت شوهر وی - که اوریا نام داشت - در فلان اردوگاه است. داوود کسی را فرستاد تا



به فرمانده اردوگاه دستور دهد که اوریا را سوی فلان دشمن فرستد و او تبرا پیشاپیش تابوت عهد قرار دهد. اوریا را فرستادند، اما او پیروزمندانه از آن جنگ بازگشت. فرمانده به داوود نوشت و داوود مجدداً فرمان داد او را به سوی فلان دشمن که نیرومندتر بود روانه کنند. اما باز اوریا ظفرمند بازگشت. چون فرمانده اردوگاه ماجرا را به داوود گزارش کرد، داوود فرمان داد او را به سوی دشمن دیگر روانه سازند و این بار شوهر زن کشته شد و داوود زن او را به تزویج خود درآورد و اندک مدتی با وی بود که خداوند دو فرشته به صورت انسان فرستاد که خواستند به نزد داوود وارد شوند، اما چون روز عبادت داوود بود، نگهبانان مانع شدند. آن دو از دیوار به محراب داوود درآمدند و داوود در نماز بود که آنها را پیش روی خود نشسته دید و بترسید، آن دو گفتند: بیم مدار که ما دو نفر متخاصم هستیم که یکی به دیگری ستم کرد و تو به حق میان ما داوری کن. داوود گفت: قصه خویش را بگوئید. یکی از آن دو گفت: این برادر من است که نود و نه میش دارد و من یکی دارم و می خواهد میش مرا بگیرد که میشهای خود را کامل کند. به دیگری گفت: تو چه می گویی؟ گفت: من نود و نه میش دارم و برادرم یکی دارد و می خواهم آن را از وی بگیرم که صد میش داشته باشم و او رضایت نمی دهد. داوود گفت: تو را نگذاریم چنین کنی! وی گفت: نمی توانی مرا بازداری! داوود گفت: اگر بدین کار دست زنی به اینجا و اینجا می زنیم، و بینی و پیشانی خویش را نشان داد. وی گفت: ای داوود! حق این است که به اینجا و اینجا تو بزنی که نود و نه زن داشتی و اوریا یک زن داشت و پیوسته او را به معرض خطر فرستادی تا کشته شد و زنش را گرفتی! چون داوود نظر کرد کسی را ندید و دانست که در معرض امتحان الهی قرار گرفته بود. به سجده افتاد و چهل روز در همین حالت ماند و آن قدر گریست که از اشک وی علف روید...» (تفسیر طبری، ۱۳۳۹: ۲۳ / ۹۱-۹۵)

در تفسیر معالم التنزیل از قول کعب الاحبار، وهب بن منبه و ابن عباس نقل شده است: «هنگامی که آن دو فرشته - که به صورت انسانی ظاهر شده بودند - بر داوود وارد شدند و او قضاوتی کرد که در اصل بر ضد خودش بود! آن دو فرشته به هیبت اصلی خود درآمدند و به آسمان رفتند، در حالی که می گفتند: این مرد خودش را محکوم کرد! و داوود دریافت که بدان وسیله مورد آزمایش قرار گرفته بود.» (البغوی، ۱۴۰۵: ۵۹۷/۴) طبری در مجمع البیان علاوه بر آنکه روایتی شبیه به روایت سدی در تفسیر طبری می آورد و یادآور می شود در نادرست بودن اینگونه روایات جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست، درباره گناه داوود و استغفار او روایاتی تحت عنوان «سخنان نادرست درباره داود و اوریا» می آورد و می نویسد: «استغفار داود براساس پیوستن به خداوند و خضوع برای او و اظهار ذلت و خواری با عبادت و سجود در مقابل خداوند بوده است... این سخن کسی است از امامیه و غیر ایشان که پیامبران را از همه گناه منزه می دانند. ولی آن که گناهان صغیره را بر پیامبران جایز می شمارد می گوید: استغفار داود از گناه بوده است و سپس درباره این گناه سخنان گوناگونی گفته اند که ۱- اوریا بن حیان زنی را به همسری خواستگاری کرد و خویشانش بر آن شدند که با وی تزویج کند. زیبایی زن به گوش داود رسید، او نیز از این زن خواستگاری کرد و پیش از اوریا آن را به تزویج خود درآورد، بدین جهت که داود در این امر طمع کرده مورد سرزنش قرار گرفت. ۲- داود در یکی از لشکر کشی های خود، اوریا را از دست داد و در مرگ او مانند دیگران ناراحت نشد چون مایل بود با زن او ازدواج کند، بدین جهت با نازل شدن دو فرشته مورد عتاب قرار گرفت. ۳- در آیین داود چنین رسم بود که چون مردی می مرد و همسری از او باقی می ماند در مرحله اول نزدیکان وی سزاوارتر بر ازدواج همسر او بودند و اگر ایشان رغبت نکرده و اعراض می کردند دیگران حق داشتند با همسر وی ازدواج کنند ولی حضرت داود این رسم را رعایت نکرده و پس از کشته شدن اوریا با همسر وی ازدواج کرد و از این جهت مورد سرزنش

قرار گرفت. ۴- یک مرد و زن برای محاکمه به نزد داود آمدند و حال خود را عرضه کردند، داود چون نظرش به چهره زن افتاد براساس طبیعت انسانی به آن تمایل پیدا کرد چون آن دو از محاکمه فارغ شده و رفتند، داود مشغول عبادت شد ولی در حین عبادت گاهی فکرش متوجه زیبایی آن زن می‌شد. بدین جهت خداوند او را مورد عتاب قرار داده است. ۵- هنگامی که دو نفر فرشته به صورت خصم برای محاکمه به نزد داود آمدند، او در قضاوت عجله کرد... و اینکه داود در این هنگام شتاب در قضاوت کرده به این جهت بود که از وارد شدن نابهنگام آن دو خصم به وحشت افتاد و بی‌توجه شده بود» (طبرسی، ۱۳۵۸: ۲۱ / ۹۰-۹۱) طبرسی سپس به شدت این روایات را رد می‌کند و البته ناگفته پیداست این سخنان جز قصه‌سرایی، شاخ و برگ دادن به ماجرا و تلاش برای توجیه روایتی که از بنیان اشکال دارد، چیز دیگری نیست، اما به هرصورت تکرار آن در تفاسیر دیده می‌شود.

برخی مفسران در عین بیان این روایات کوشیده‌اند آن را با دلایلی تأویل و توجیه کنند و حریم عصمت انبیاء را از این مجعولات و روایات نادرست مصون بدارند. برای نمونه زمخشری در الکشاف می‌نویسد: در زمان حضرت داوود (ع) «هرگاه مردی از همسر مرد دیگری خوشش می‌آمد و به او علاقه پیدا می‌کرد، از آن مرد تقاضا می‌کرد تا همسرش را به خاطر وی ترک گوید و او نیز چنین می‌کرد و در میان آنها چنین مساوات و برادری رواج داشت. براین اساس داستان داوود از این قرار است که روزی اتفاقی چشم داوود به همسر اوریا افتاد و محبت آن زن به دل او نشست. بنابراین از اوریا تقاضا کرد همسرش را به خاطر وی ترک گوید و اوریا نیز شرمش آمد تقاضای او داوود را رد کند. پس درخواست وی را اجابت گفت و داود همسر او را به تزویج خود درآورد اما به داوود خطاب شد تو با این مقام شأن والا و همسران بسیاری که داری شایسته نبود از مردی که تنها همین زن را داشت چنین تقاضایی کنی، می‌بایست بر نفس خود غلبه می‌کردی و صبر پیشه می‌ساختی» (زمخشری، ۸۰/۴، نقل از محمدقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۷۶) اگرچه تلاش شده ظاهری شرعی برای داستان بیان شود اما به نظر می‌رسد این گونه توجیهاات در بطن خود نوعی پذیرش اولیه مجعولات روایت شده را همراه دارد.

تفسیر عرفانی کشف الاسرار نیز از نفوذ اسرائیلیات مصون نمانده است. در این اثر در تفسیر مربوط به آیات یاد شده علاوه بر مطلبی شبیه آنچه در تفسیر طبری نقل شد، آمده است: «داود (ع) چون حکم ایشان برگزارد، جبرئیل با صاحب خویش نگرست بخندید و گفت: حکم علی نفسه بر خویشتن حکم کرد. این سخن بگفت و هر دو به آسمان شدند، داود بدانست که ایشان فریشته بودند و آزمودن وی را آمده بودند... چون آن فریشتگان بر صورت خصمان با داود سخن گفتند و آنگه بر آسمان شدند، داود بدانست که ایشان فرستاده حق بودند تا گناه داود فرا پیش وی برند، داود در کار خود بدید و به تضرع و زاری درآمد، چهل روز سر بر زمین نهاد بسان ساجدان بر نعت تضرع... بعد از چهل روز وحی آمد از حق - جل جلاله - که: یا داود ترا آمرزیدم اما به سر خاک اوریا شو و او را برخوان تا من آواز تو او را بشنوانم و از وی حلالی بخواه. داود پلاسی در پوشید با چشمی پرآب و دلی پر در و جانی پر حسرت آمد به سر خاک اوریا شد و او را بخواند، به لبیک جواب داد و گفت منم داود، گفت به چه آمدی یا نبی‌الله؟ گفت آمده‌ام تا مرا بحل کنی بهر چه از من به تو رسید، گفت: تو را بحل کردم و درگذشتم و داود چون آن سخن شنید آرامی و سکونی در وی آمد و بازگشت. دیگر بار وحی آمد که یا داود نمی‌دانی که من داوری به عدل و انصاف کنم نه به تعنت، بازگرد و با وی بگوی: من زن تو بخواستم و به وی رسیدم از من راضی شو و مرا بحل کن. داود بازگشت و این سخن بگفت، اوریا چون این سخن شنید خاموش گشت و نیز جواب داود نداد، داود هم بر سر قبر وی خاک بر سر نهاد و به زاری و

خواری نوحه در گرفت. چون تضرع و زاری داود به غایت رسید، از آسمان عزت ندای وحی آمد از بارگاه قدم آواز کرم آمد که: ای داود دعای تو نیشیدیم، گناحت به عفو خود پوشیدیم، توبه تو پذیرفتیم و بر تو رحمت کردیم. داود گفت... الهی چون آرام گیرم و خصم از من ناخشنود و دلم از بیم خصمی وی پر آتش و پر دود! ... «فغفر له انه» وهب منبه گفت: داود پس از آنکه توبه او قبول کردند سی سال که از گریستن نیاسود نه به شب نه به روز، گهی در میان بیابان نوحه کردی به زاری و بنالیدی از خواری، مرغان هوا و وحوش صحرا در گریستن او را مساعدت کردند...» (میبدی، ۱۳۸۲: ۳۳۵/۸-۳۳۸) چنانکه گذشت میبدی نیز بخشی از این داستان را از قول راویانی که منشاء انتشار اسرائیلیات بودند، نقل می‌کند.

صاحب تفسیر روح البیان ماجرای دیگری نیز بر این ماجرا می‌افزاید و میان این داستان و ماجرای ازدواج پیامبر (ص) با دختر عمه‌اش زینب رابطه‌ای برقرار می‌کند که به نظر می‌رسد از همان قصه‌سرایی‌ها و روایات جعلی سرچشمه گرفته است: «رسول خدا به خاطر عشقی که به زینب پیدا کرده بود و این عشق را هم خدا به قلبش افکنده بود، دلتنگ شده بود تا اینکه خداوند داستان داوود را به جهت تسلی خاطر پیامبر اسلام نازل فرمود» (البروسی، ؟: ۱۹/۸، نقل از محمد قاسمی، ۱۳۸۹: ۳۷۶) البته روزبهان بقلی نیز در *عبر العاشقین* باب فی ملاطفه العاشق و المعشوق در لفافه‌نگاهی لطیف و عرفانی به این ماجرا اشاره می‌کند. نگاه روزبهان به این داستان، نگاهی عقیف و عاری از هرگونه تهمت است: «تألف از تهمت طبیعت بیرون است. حکمای فلاسفه گفته‌اند که عشق عقیف تألف ارواح است و نجائح اشباح است. و نیز سلاطین معرفت در زمان بدایت بعضی را مرغان مقدس در قفص عشق انسانی درافتاد، مثل ابوالحسین النوری و ابو الغریب اصفهانی، و در صحابه بشر و هند. جوهر دریای عشقشان به جهان عشق از جهان امتحان نقل کرد. سید آفاق را از حالشان خبر شد، بریشان ترحم کرد و گفت « الحمد لله الذی جعل فی امتی مثل یوسف و زلیخا» و نیز در عشق انسانی که منهج عشق ربّانی است «و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبدیه»؛ «انّ هذا اخی له تسع و تسعون نعجه ولی نعجه واحده»؛ «و لقد همت به و هم بها» از دفتر انبیاء برخوان، تا بدانی که در عشق این نظر نیست، و در آن عشق از جیحون توحید بی فنطره عشق تو ما را گذر نیست. انبیاء و اولیا در عشق انسانی از تهمت طبع شهوانی مقدس‌اند. آن نکته است که اهل التباس در عشق دانند.» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۱۱)

روزبهان ظاهراً چیز دیگری بر آن نمی‌افزاید و تنها اشاره وار آیه ۲۳ سوره صاد را کنار آیاتی از سوره یوسف که ماجرای عشق زلیخا در آن آشکار است و آیه ۳۷ سوره احزاب که در تفاسیر آن را مربوط به داستان زینب دختر عمه پیامبر (ص) و زید پسر خوانده پیامبر می‌دانند، می‌آورد و در عین پذیرش مسأله عشق، آن را میراً از هرگونه ناپاکی می‌داند بویژه که برای انبیاء و اولیای الهی باشد. از آنجا که بحث پیرامون آن در محدوده این مقاله نمی‌گنجد به همین اندک اشاره بسنده می‌کنیم و از آن می‌گذریم.

#### ۶.۱. نقد اسرائیلیات وارد در داستان حضرت داوود (ع)

در بخش پیشین بیان شد که هریک از مفسرین بزرگ در عین بیان داستان‌ها و روایاتی که از تورات و اسرائیلیات سرچشمه می‌گرفت به نقد و رد آن پرداخته‌اند، در این بخش نیز به‌طور خاص به دو نمونه از این ردیه‌ها اشاره می‌شود.

یوشنچی در *قصص الانبیا* بخش‌هایی از این روایت را می‌آورد اما همه را ذکر نمی‌کند و در نقد آن می‌نویسد: «در باب عشق داوود و زن اوریا روایات بسیار آمده است که فراخور حال و منصب پیغامبران نیست و مثل آن برایشان نسبت نشاید کرد. از آن سبب آن را نقل نکردم، چه مثل آن از بازاری و عوام خلق مستحسن نیست،

خاصه از پیغامبران. اگر گویند چرا روایت کردی که داوود حیلت کرد تا اوریا کشته شد؟ گوییم آن مقدار جمله مفسران در تفاسیر آورده‌اند، از آن سبب نوشتیم. اما روایتی که درست نباشد و در آن طعن باشد بر منصب پیغامبران اثبات آن مناسب نباشد. و معتقد من آن است که اوریا در اول حرب، کشته شد بی آنکه حیلتی و قصدی از جهت داوود باشد. اما گناه داوود آن مقدار بود که چون خبر مرگ اوریا شنید جزع نکرد و اندوهگن نشد و آن نیز شاید که سبب آن بوده است که داوود با خود گفت اوریا شهید شد و در بهشت رفت، من بعد از عدت زن او را نکاح کنم، در دنیا و آخرت بر من مؤاخذتی نباشد... پس داوود صبر کرد چندان که عدت زن منقضی شد. بفرستاد و او را نکاح کرد و داوود آن را گناه نمی‌دانست. حق تعالی خواست که او را بنماید که آن حرکت از او گناه بوده و مجاملت نگاه نداشته است.» (بوشنجی، ۱۳۸۳: ۲۹۸) همچنین در عیون الاخبار حدیثی بدین مضمون آمده است: «علی بن موسی الرضا (ع) هنگام گفتگو با ارباب مذاهب مختلف درباره عصمت پیامبران به یکی از حاضران (علی بن جهم) فرمود: شما درباره داوود چه می‌گویید؟ او گفت: می‌گویند داوود در محرابش مشغول عبادت بود؛ شیطان به صورت پرنده زیبایی در مقابل او نمایان شد. داوود نمازش را شکست و به دنبال پرنده رفت!» سپس افسانه دیدن زن اوریا را در حال غسل کردن و دل به او بستن و همسرش را در پیشاپیش تابوت به میدان نبرد فرستادن و کشته شدن و ازدواج داوود با همسرش را شرح داد. امام سخت ناراحت شد، دست بر پیشانی مبارک خود زد و فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون» شما پیامبری از پیغمبران خدا را به سستی در نمازش نسبت دادید تا آنجا که -همچون کودکان- به دنبال پرنده‌ای رفت؟ سپس او را به فحشا و بعد از آن به قتل انسان بی‌گناهی متهم ساختید؟! علی بن جهم پرسید: پس گناه داوود که از آن استغفار کرد و در قرآن به آن اشاره شده چه بود؟ امام در جواب، عجله داوود را در مسئله قضاوت شرح می‌دهد و از آیه بعد (یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض) به عنوان گواه کمک می‌گیرد. علی بن جهم سوال می‌کند: پس داستان اوریا چه بوده؟ امام می‌فرماید: در زمان داوود، زنانی که شوهرانشان از دنیا می‌رفت یا کشته می‌شد، هرگز ازدواج نمی‌کردند (و این منشأ مفاسد فراوان بود) نخستین کسی که خداوند این کار را برای او مباح کرد، داوود بود (تا این سنت شکسته شود و زنان شوهر از دست داده از بلا تکلیفی درآیند) بنابراین داوود بعد از آنکه اوریا (برحسب تصادف در یکی از جنگها) کشته شد، همسرش را به عقد خود درآورد و این بر مردم آن زمان سنگین آمد. (و به دنبال آن افسانه‌ها به هم بافته شد.) (صدوق، ۱۷۱/۱۴۰۴: ۲-۱۷۱-۱۷۲، نقل از طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۷/۳۱۵ - ۳۱۶)

براساس این حدیث که از عیون اخبار الرضا، در البرهان فی التفسیر القرآن، تفسیر نورالثقلین، تفسیر صافی، تفسیر المیزان آمده است مشخص می‌شود که مسأله اوریا یک ریشه واقعی ساده‌ای داشته که داوود (ع) به عنوان یک رسالت الهی آن را انجام داد؛ اما دشمنان دانا از یک سو و دوستان نادان از سوی دیگر، و افسانه سرایانی که عادت به ارائه مطالب عجیب و دروغین دارند، شاخ و برگ‌هایی برای این قصه درست کرده‌اند که ساحت انبیاء را در نظر انسان‌ها خدشه‌دار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۷/۱۹) اگرچه این روشنگری‌ها در تفاسیر قدری از انحرافات اذهان کاسته است اما تأثیر روایات جعلی و اسرائیلیات چنان در فرهنگ اسلامی ریشه دوانده و با آن آمیخته که در برخی از اشعار متون ادبیات کهن فارسی نیز رد پای آن را می‌توان دید.

۷. بازتاب زندگی حضرت داوود (ع) و اسرائیلیات مربوط به آن در ادبیات فارسی  
به طور کلی تأثیر اسرائیلیات در ادب فارسی و عربی چشمگیر است «در ادب پارسی، اسرائیلیات از لحاظ وسعت دامنه تأثیر بر «نصرانیات» یا به بیانی عامتر «عناصر مسیحی» و نیز «هندی» و «یونانی» برتری دارد. اصولاً

ورود اسرائیلیات به ادبیات پارسی از چند رهگذر صورت گرفته است. نخست قرآن و فرهنگ اسلامی و بعد از آن ترجمه‌های تلمود و تورات که عامل اصلی را تشکیل می‌دهد. (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۷: ۱۳) ارتباط تنگاتنگ ادبیات کهن فارسی با دین اسلام و بویژه قرآن از سطر سطر و بیت بیت متون و اشعار آن پدیدار است. همین مسأله احتمال نفوذ اسرائیلیات و روایات جعلی دینی را نیز بیشتر می‌کند. از اشارات شاعران و ادیبان دربارهٔ وجوه مختلف زندگی حضرت داوود (ع) در ادبیات فارسی نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت. از حدیث قدسی مشهور «کنت کنزاً مخفیاً...» که در بیشتر متون نثر عرفانی دیده می‌شود و غالباً آن را حدیثی می‌دانند که خداوند در گفتگوی با حضرت داوود (ع) بیان داشته است تا اشاره به نوای خوش حضرت داوود (ع) و نغمهٔ داوودی و خواندن زبور و همنوایی کوه‌ها و پرندگان در تسبیح پروردگار با او:

ولیک آنکه خجل گردی که استادی تورا گوید که با داوود پیغمبر رسلی کن درین صحرا (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۵):

اشک داوود چو تسبیح برآید از چشم خوش بنالید که داوود نوایید همه (خاقانی، ۱۳۸۷: ۱۲۸۰/۲)

اشاره به توبهٔ حضرت داوود و اشک وی نیز در اشعار فارسی دیده می‌شود:

اشک داوود بیارید پس از نوحهٔ نوح تا ز طوفان مژه خون هدر بگشایید (خاقانی، ۱۳۸۷: ۵۴۲/۱)

همچنین زره ساختن او و نرم بودن آهن بر دستان وی:

رفت لقمان سوی داوود صفا دید کاو می‌کرد ز آهن حلقه‌ها (مولوی، ۱۳۸۶: ۴۱۳/۱)

بافتن ریسمان نه معجزه باشد معجز داوود بین که آهن باف است (خاقانی، ۱۳۸۷: ۳۳۰/۱)

بازتاب داستان حضرت داوود (ع) و همسر اوریا نیز در ادبیات کهن فارسی دیده می‌شود، نظامی در آغاز مخزن الاسرار بیتی می‌آورد که در شرح، آن را به این داستان مربوط می‌دانند:

چون دل داود نفس تنگ داشت در خور این زیر بم آهنگ داشت (نظامی، ۱۳۹۲: ۲۸)

وحید دستگردی می‌نویسد: «تنگی نفس داوود به مناسبت نکاح زن اوریاست، یعنی به سبب این نفس تنگی توانست آواز زیر بلند که مناسب گوی قبول است بخواند» (نظامی، ۱۳۹۲: ۲۸) در اشعار سنایی نیز اشاراتی به این داستان و نامی از اوریا می‌بینیم:

ای ز راه خلق و خلق و لحن خوش داوود وار در دو جایم جلوه کرده در جهان چون اوریا (سنایی، ۱۳۶۲: ۴۷)

اوریا گر دم فرو بست از اسرار شوق از لب داوود صوتی به ز موسیقار کو (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۷۶)

معانی جمله حل کردی همینت مشکلی مانده که رمز ذلت داود و قتل اوریا یابی (سنایی، ۱۳۶۲: ۲۰۴)

تأثیر اسرائیلیات چنان گسترده است و گاه داستان‌پردازی‌های این روایات چنان کششی ایجاد می‌کند که نفوذ آن را در ادبیات اجتناب ناپذیر کرده است. آگاهی از تأثیر این روایات ساختگی و نفوذ این اسرائیلیات در متون ادب فارسی، مخاطبان این متون را در فهم و درک درستی از آن و شناخت بهتر شاعر و محیط اجتماعی و فرهنگی او یاری می‌کند.

#### ۸. نتیجه‌گیری

روایات جعلی و ساختگی با اصطلاح اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی تأثیر گسترده و عمیقی گذاشته است. غالب این روایات از همان صدر اسلام و در دورهٔ صحابه شکل گرفته‌اند و بعدها حواشی بیشتری یافته‌اند و در متون مکتوب بویژه تفاسیر قرآن خود را ثبت کرده‌اند. براساس این تحقیق یکی از جولان‌گاه‌های اسرائیلیات داستان

زندگی پیامبران است که بویژه قرآن با بیانی موجز از آنها یاد کرده‌است. در داستان مربوط به زندگی حضرت داوود (ع) بویژه تفسیر آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره صاد وجود این روایات و اسرائیلیات که ریشه در روایت تورات دارد، تأثیر فراوان داشته‌است. مفسران بنا بر روایت تورات این آیات را مربوط به ازدواج حضرت داوود (ع) با همسر سردار جنگی اش اوریا می‌دانند. اگرچه در قرآن هیچ لفظی مبنی بر اینکه آیات یاد شده درباره ازدواج حضرت داوود (ع) با همسر ارویا است نیامده اما تقریباً بیشتر تفاسیر مهم قرآنی (اعم از عرفانی و ادبی و غیر ادبی) یا این داستان را نقل کرده‌اند و یا اشاره‌ای به آن داشته‌اند، و این نشان دهنده نفوذ عمیق و ریشه‌دار اسرائیلیات و روایات جعلی در فرهنگ اسلامی و تفاسیر قرآنی است. هرچند نقدهایی نیز بر این روایات نوشته شده و با دلایل منطقی و شرعی و عقلی آنها را رد کرده‌اند اما نفوذ این داستان‌ها و افسانه‌ها همچنان ادامه داشته و آنقدر گسترده بوده که تا لایه‌های سطور متون ادبی نیز کشیده شده است. در ادبیات فارسی - که ارتباط تنگاتنگی با دین و قرآن دارد - اشاراتی به این اسرائیلیات مربوط به زندگی حضرت داوود (ع) دیده می‌شود. شناخت این روایات و آگاهی از این تأثیر ما را در شناخت بهتر ادبیات فارسی و آبخورهای گوناگون آن یاری می‌کند.

#### ۹. منابع

- قرآن مجید؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر: دارالقرآن الکریم، ۱۳۸۸.
- قرآن کریم، ترجمه و توضیحات: بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، ۱۳۸۴.
- ابن تیمیه، *المقدمه فی اصول التفسیر*، با تحقیق عدنان محمد زرزور، بیروت، دارالقرآن الکریم، ۱۳۹۱ ه.ق.
- اشرفی، عباس؛ *مقایسه‌ی قصص در قرآن و عهدین*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- الباش، حسن؛ *قرآن و تورات در کجا اتفاق و در کجا اختلاف دارند؟*، ترجمه علی اوسط ابراهیمی؛ چاپ اول، تهران: نشر گستره، ۱۳۹۲.
- البروسی، اسماعیل حقی؛ *تفسیر روح البیان*؛ بیروت، دار الفکر، بی تا.
- البغوی، ابو محمد حسین بن مسعود الفراء؛ *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ ه.
- بقلی شیرازی، روزبهان؛ *عبرالعاشقین*؛ تصحیح و مقدمه هنری کربن و محمد معین، تهران: انتشارات منوچهری، ۱۳۶۶.
- بوشنجی، ابوالحسن بن هیصم؛ *قصص الانبیاء*؛ ترجمه محمد ابن اسعد ابن عبدالله الحنفی التستری، تصحیح و تحقیق: عباس محمدزاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.
- ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب یغمایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله؛ *قصص الانبیاء*؛ ترجمه یوسف عزیزی؛ تهران: هاد، ۱۳۷۵.
- خاقانی، بدیل بن علی، *قصاید خاقانی*، مقدمه، نقد و شرح محمد استعلامی، ۲ ج، چ اول، تهران: زوار، ۱۳۸۷.
- خزائی، محمد؛ *اعلام قرآن*؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی؛ *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر*؛ تهران: سهروردی، ۱۳۸۳.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی؛ «*مآخذ شناسی اسرائیلیات در تفسیر و حدیث*»، آینه پژوهش، ش ۱۰۹ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸.
- ذهبی، محمد حسین؛ *اسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*، دمشق، دارالایمان، ۱۴۰۵.

- ذهبی، محمد حسین؛ *التفسیر و المفسرون*؛ لبنان دار احیاء التراث العربی، بی تا
- رازی، جمال‌الدین شیخ ابوالفتوح؛ *تفسیر ابوالفتوح رازی*؛ تصحیح و حواشی: میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم؛ *قصص قرآن یا تاریخ انبیا (از آدم تا خاتم النبیین)*؛ چ ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
- رکنی یزدی، محمد مهدی؛ *گزیده متون تفسیر فارسی*، تهران سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها، سمت، ۱۳۸۴.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم؛ *دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی*؛ به اهتمام مدرس رضوی، چ سوم، کتابخانه سنایی ۱۳۶۲.
- صالحی نیا، مریم؛ *قدسیت و ساختار، جستاری در روایت‌شناسی تطبیق متون قدسی*؛ چاپ اول، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی؛ *عیون اخبار الرضا*؛ لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴هـ.
- طباطبایی اردکانی، محمد؛ *گزیده متون تفسیر فارسی*؛ چ ۷، تهران: اساطیر، ۱۳۷۰.
- طباطبایی، محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ جلد ۱۷، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
- طباطبایی، محمد حسین؛ *ترجمه تفسیر المیزان*؛ مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، چ ۱۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۷۸.
- طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن؛ *تفسیر مجمع البیان*، ج ۲۱، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۵۸.
- عبدالباقی، محمدفواد؛ *المعجم المفهرس*؛ تهران: نوید اسلام، ۱۳۸۷.
- عمادزاده، حسین، *تاریخ انبیا: قصص الانبیا یا قصص قرآن از آدم تا خاتم*، تهران: اسلام، ۱۳۷۹.
- قدس میرحیدری، جعفر؛ *تاریخ انبیا (قصص القرآن)*، از آدم تا خاتم محمد بن عبدالله (ص)؛ تهران: انتشارات تهران، ۱۳۸۷.
- کتاب المقدس (عهد عتیق و عهد جدید)*؛ ترجمه فارسی، چاپ انگلستان ۱۹۳۲.
- محمد قاسمی، حمید؛ *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستانهای انبیا در تفاسیر قرآن*؛ تهران: سروش، ۱۳۸۹.
- مسعودی، حسین بن علی؛ *مروج الذهب و معادن الجواهر*؛ بیروت، دار الاندلس، ۱۳۸۵هـ.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- مک اولیف؛ «*ارزش‌گذاری اسرائیلیات معضلی در تفسیر*» مترجم محمدتقی دیاری بیگدلی، پژوهش دینی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- مؤذن جامی، محمد هادی؛ «*بررسی اسرائیلیات در تفسیر و حدیث*»؛ مجله کیهان اندیشه، شماره ۴۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲.
- مؤمن زاده شوشتری، امین؛ (۱۳۸۷). تأثیرپذیری روایات جعلی و اسرائیلیات و بررسی علل آن (با تکیه بر تفاسیر ادبی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور خوزستان.
- نعناعه، رمزی؛ *اسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر*، دمشق، دارالقلم و دارالبیضاء، ۱۳۹۰هـ.